

تأثیر سرمایه اجتماعی و عوامل اقتصادی بر شادی زنان (تحلیل اقتصادسنجی درباره زنان شهر تهران)

زهرا عزیزی^{۱*}، زهرا میرحسینی^۲، فاطمه السادات همایونی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و عوامل اقتصادی بر شادی زنان انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل زنان ۱۸-۶۵ ساله شهر تهران است. حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر تعیین شده و نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در مناطق ۲۲گانه شهر تهران انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه استاندارد اصلاح‌شده سنجش شادی آکسفورد بوده است. برآورد میزان تأثیر متغیرها بر شادی زنان با استفاده از نرم‌افزار Eviews و برآورد رگرسیون مقطعی با استفاده از برآوردگر حداقل مربعات معمولی انجام شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که در میان متغیرهای اقتصادی، درآمد خانوار بر شادی زنان تأثیر مثبت داشته و قابل اعتماد است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، به‌عنوان متغیرهای بررسی‌شده در ارتباط با سرمایه اجتماعی، رابطه معنادار و مثبتی با شادی دارند. علاوه بر این، بررسی اثر تحصیلات نشان می‌دهد این متغیر با شادی زنان رابطه معنادار و معکوسی دارد. بدین معنا که با افزایش سطح تحصیلات زنان، میزان شادی آن‌ها کاهش می‌یابد.

کلیدواژگان

اشتغال، درآمد، سرمایه اجتماعی، شادی زنان.

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی (نویسنده مسئول)
z.azizi@alzahra.ac.ir
۲. استادیار گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
z.mirhosseini@alzahra.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی
fatemeh.homayouni@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۱

مقدمه و بیان مسئله

کارشناسان مسائل اجتماعی تاکنون بارها از ضرورت «مهندسی شادی»^۱ در جامعه به منظور افزایش میزان شادکامی مردم سخن گفته‌اند، زیرا شادی و نشاط ماده اولیه تغییر و تحول و حیات اجتماعی انسان‌ها بوده و به یکی از «شاخص‌های توسعه»^۲ در جوامع تبدیل شده است. در جامعه شاد و خوشحال تولید بهتر، اشتغال بیشتر و اقتصاد سالم‌تر خواهد بود. در محیط شاد است که ذهن انسان‌ها پویا، زبانشان گویا و استعداد آن‌ها شکوفا می‌شود و جامعه به سوی پیشرفت و تعالی گام برمی‌دارد. مطالعات تجربی نشان داده‌اند که میزان شادی و رضایت از زندگی انسان اهمیتی ویژه در عملکرد وی دارد، زیرا رضایت از زندگی باعث بهبود هوش، توانایی، انگیزه و بهره‌وری می‌شود [۱۴، ص ۱۲۷].

از بعد «سیاست‌گذاری اجتماعی»^۳ نیز شادی مسئله‌ای بسیار مهم است؛ زیرا هر قدر ملتی شاد باشد، احساس رفاه بیشتری خواهد داشت [۹، ص ۸]. از این منظر، شادکامی به باور برخی از اندیشمندان حوزه سیاست اجتماعی خود از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی [۱۱، ص ۲۰] و از منظر برخی غایت سیاست اجتماعی است؛ به این معنا که رفاه اجتماعی در نهایت وضعیتی است که در آن نیازهای فرد تأمین و مسائل او مدیریت و مرتفع شده است و در نتیجه احساس شادکامی و خرسندی دارد [۱۷، ص ۱۴۵]؛ بنابراین، یکی از چالش‌های فراروی انسان در دنیای امروز احساس بهزیستی و شادمانی است؛ هرچند به نظر می‌رسد با پیشرفت‌های چشمگیر و تأمین آسایش انسان، احساس شادمانی وی افزایش نیافته است [۱۲، ص ۸].

گزارش‌ها و داده‌های آماری گویای وضعیت بحرانی ایران در رابطه با شادی و شاخص‌های مربوط به آن هستند. مؤسسه گالوپ تحقیقی با بیش از ۱۵۱ هزار مصاحبه را در سال ۲۰۱۸ در ۱۴۰ کشور جهان انجام داده تا احساسات ساکنان این کشورها را درباره وضعیت زندگی‌شان دریابد. در خصوص ایران، به‌طور تفکیکی، این آمار را ارائه کرده است: ایران در احساس عصبانیت رتبه ۳، در احساس غم رتبه ۵، در احساس استرس رتبه ۵ و در احساس نگرانی رتبه ۴ را در میان ۱۴۰ کشور جهان دارد و به‌طور کلی رتبه میزان شادی در ایران ۱۰۶ است. بر این اساس، در زمره کشورهای پایین‌تر از میانگین قرار دارد. بنابراین، با توجه به قرائن و شواهد موجود لزوم سیاست‌گذاری در عرصه شادکامی اهمیتی بسزا دارد. شناسایی عوامل مؤثر بر شادی کمک می‌کند که بتوان سیاست‌هایی جهت سوق دادن جامعه به سمت یک زندگی شاد را فراهم آورد و در واقع می‌توان از این طریق راهنمایی مؤثر برای سیاست‌گذاری‌های مناسب اجتماعی و اقتصادی در این زمینه فراهم آورد.

1. happiness engineering
2. development indices
3. social policy making

در سال‌های اخیر، توجه به این موضوع بین محققان گسترش یافته است. با این حال، مطالعاتی که به‌خصوص به جامعه زنان معطوف شده باشد کمتر انجام شده و در اغلب تحقیقات انجام‌شده نیز متغیر جنسیت به‌منزله متغیری حاشیه‌ای یا خنثی لحاظ شده است [۲۰؛ ۲۸]. این در حالی است که لزوم این امر درخصوص زنان دوچندان به نظر می‌رسد، زیرا اهتمام به پرداختن به «مطالعات زنان» در اهمیت نهاد خانواده ریشه دارد. تردیدی نیست که نهاد خانواده رکن بنیادین اجتماع است و زنان، به‌عنوان محور اصلی خانواده، نقشی مهم و ارتباطی تنگاتنگ با اعضای خانواده دارند. بنابراین، میزان شادکامی زنان نه‌تنها نهاد خانواده، بلکه فضای جامعه را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی، به نظر می‌رسد با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و ویژگی‌ها و شرایط متفاوت زندگی اجتماعی زنان، پدیده شادی و ابعاد و عوامل مؤثر بر آن نیز بین زنان و مردان متفاوت باشد. از این‌رو، نمی‌توان نتایج مطالعات انجام‌شده را به جامعه زنان به طور کامل تعمیم داد و خود نیازمند پژوهشی جداگانه است که در این تحقیق بدان پرداخته شده است. بر این مبنا، پژوهش حاضر با انتخاب زنان ۱۵-۶۵ ساله شهر تهران، به‌عنوان نمونه، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که میزان اثرگذاری متغیرهای سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی و متغیرهای اقتصادی (اشتغال و درآمد) بر شادی زنان شهر تهران تا چه اندازه‌ای است؟

پیشینه پژوهش

بررسی تحقیقات انجام‌شده در رابطه با موضوع تحقیق نشان می‌دهد در سال‌های اخیر محققان متعددی به موضوع شادی و شادکامی توجه نشان داده‌اند. در ادامه، پیشینه مطالعات انجام‌شده در دو بخش مطالعات خارجی و داخلی بررسی شد.

پیشینه مطالعات خارجی

نوردنمارک^۱ در سال ۲۰۱۸ پژوهشی را با هدف بررسی اهمیت رضایت شغلی و خانوادگی بر شادی زنان و مردان در بستر تفاوت‌های جنسیتی و براساس تجزیه و تحلیل داده‌های مقایسه‌ای برنامه پیمایش بین‌المللی ۲۰۱۲^۲ انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان داد میزان رضایت از زندگی خانوادگی در سطح عمومی، نسبت به رضایت شغلی از اهمیت بیشتری برخوردار است. اگرچه تفاوت‌هایی جنسیتی در این رابطه وجود دارد، یافته‌ها نشان می‌دهد رضایت از زندگی خانوادگی در ارتباط با شادی در کشورهای محافظه‌کار برای مردان اهمیت کمتری دارد. این در حالی است که در مجموع سطح شادی بین زنان کشورهای با سیاست محافظه‌کار جنسی به‌طور کلی پایین‌تر است [۲۷].

1. nordenmark

2. the International Social Survey Program 2012.

یانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به بررسی نابرابری‌های شادی در چین و عوامل تعیین‌کننده آن، براساس داده‌های پایگاه اطلاعات عمومی و اجتماعی چین در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۱۵، پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد افزایش نابرابری درآمد و همچنین افزایش جمعیت میان‌سال می‌تواند نابرابری در شادی را گسترش دهد. این در حالی است که افزایش سطح تحصیلات تأثیر کمتری دارد. علاوه بر این، داشتن شغل نیز نابرابری شادی را کاهش می‌دهد [۳۰].

ئویشی^۲ و همکاران در سال ۲۰۱۱ در پژوهشی وجود رابطه معکوس بین نابرابری در ثروت و شادی را نشان می‌دهند. درباره رابطه درآمد و شادی، با وجود مناقشات و نتایج متفاوت و بعضاً متناقضی که پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند، بر سر پنج مسئله توافق وجود دارد:

۱. درآمد در قیاس با متغیرهای دیگر مانند زندگی خانوادگی، مرادوات اجتماعی و مذهب تأثیر کمتری بر شادی دارد؛

۲. تأثیرگذاری درآمد بر بهزیستی شناختی نیرومندتر از تأثیر آن بر بهزیستی احساسی است؛

۳. همبستگی منفی درآمد با شادی قوی‌تر از همبستگی مثبت آن است؛

۴. میل و اشتیاق برای پول بیشتر از خود پول بر شادی تأثیر می‌گذارد؛ مردمی که پول و ثروت را به‌منزله اهداف مهم زندگی خود تعریف کرده‌اند و این هدف را تعقیب می‌کنند، در مقایسه با دیگران کمتر شادند؛

۵. شیوه هزینه پول بیشتر از مقدار برخورداری از آن بر شادی تأثیر می‌گذارد [۲۸].

آبوت و سابسفورد^۳ (۲۰۰۶) نیز پژوهشی با عنوان «شادی و رضایت از زندگی در روسیه و اوکراین» انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که سرمایه انسانی، شرایط مادی (وضعیت اقتصادی)، زمینه اجتماعی (حمایت، اعتماد و تعهدات اجتماعی)، میزان رضایت‌مندی از درآمد، امکانات خانوادگی با میزان شادی و رضایت از زندگی افراد مطالعه شده رابطه مستقیم دارد [۲۰].

استرلین^۴ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای شادی زنان و مردانی را که سنشان از ۵۰ سال بیشتر است باهم مقایسه می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در سال‌های جوانی و میان‌سالی نوعاً زنان شادتر از مردان‌اند، ولی در سنین بالاتر این نتیجه درست برعکس می‌شود؛ یعنی مردان شادتر می‌شوند. درحالی‌که مردان از تأثیرات مثبت بازنشستگی بهره‌مند می‌شوند، زنان از تأثیرات منفی بیوگی رنج می‌برند. همچنین، افراد پیر، اعم از زنان و مردان، شادترند اگر

1. Yang

2. Oishi

3. Abbott & Sapsford

4. Easterlin

بازنشسته شده، ازدواج کرده، سلامت عالی و درآمد بالا داشته باشند و شادی آن‌ها پایین می‌آید اگر بیکار بوده، بیوه یا مطلقه باشند یا درآمد پایینی داشته باشند [۲۶].

پیشینه مطالعات داخلی

بررسی پیشینه تحقیقات داخلی نشان می‌دهد در این پژوهش‌ها، هرچند اندک، محققانی به مسئله شادی در میان زنان پرداخته‌اند؛ مثلاً، منتظری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «شادکامی زنان و مردان ایرانی ۲۰ تا ۴۰ ساله و عوامل مرتبط با آن: یک مطالعه ملی»، با انجام پژوهشی به صورت مقطعی (توصیفی-تحلیلی) درباره شادکامی ۱۴ هزار و ۲۳۹ نفر از زنان و مردان ۲۰ تا ۴۰ سال مطالعه کردند. میان شادی و متغیرهای سن، جنسیت، تعداد سال‌های تحصیل و محل سکونت ارتباط معنادار وجود نداشت، ولی افرادی که سطح درآمد خود را بد/خیلی بد گزارش کرده بودند، میزان شادکامی کمتری نسبت به افرادی داشتند که سطح درآمد خود را خیلی خوب/خوب گزارش کرده بودند. همچنین، شادکامی افراد بیکار کمتر از افراد شاغل بود. شهرها و روستاهای کشور با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد شادکامی آکسفورد مورد سنجش قرار گرفت [۱۵].

علاوه بر این، احمدی در سال ۱۳۹۵ به بررسی و مقایسه تأثیر سبک زندگی بر شادی زنان شهر سنندج با روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی و با تکنیک پیمایش پرداخته است. نمونه آماری شامل ۳۸۰ نفر از افراد ۱۸-۳۰ سال ساکن در مناطق شهری سنندج بوده که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه‌گیری شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته بوده است. نتایج توصیفی مطالعه حاکی از آن است که میانگین شادی در بعد عاطفی و اجتماعی در حد متوسط رو به بالا و نسبتاً خوب قرار داشته است، اما میانگین شادی شهروندان در بعد شناختی متوسط رو به پایین و نسبتاً نامطلوب بوده است. نتایج تحلیلی تحقیق نیز نشان از آن دارد که شاخص سبک زندگی و ابعاد آن در مجموع حدود ۳۴ درصد از واریانس شادی زنان سنندجی را تبیین کرده است [۲].

ابراهیم نجف‌آبادی و سام آرام نیز در سال ۱۳۹۲ مطالعه‌ای در خصوص بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس شادی زنان جوان ۱۵-۲۴ ساله شهر اصفهان انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، میانگین احساس شادی بین زنان شهر اصفهان ۵۴/۵ بوده که به ترتیب بعد احساسی، بعد اجتماعی و سپس بعد شناختی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین سرمایه اجتماعی بین زنان جوان ۵۵/۶ به دست آمده و سرمایه اجتماعی از چهار بعد تشکیل شده است. میانگین بعد تعلق و علایق اجتماعی ۷۲/۸، میانگین بعد تعهد و مسئولیت اجتماعی ۵۸/۴، میانگین بعد اعتماد ۵۴/۱ و میانگین بعد پیوندها و تعاملات اجتماعی ۴۳/۹ است که بر این اساس بیشترین مقدار در بعد تعلق و کمترین

مقدار در بُعد تعاملات اجتماعی است. بین سرمایه اجتماعی و شادی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و این رابطه در ابعاد احساسی و شناختی بیشتر به چشم می‌خورد. همچنین، تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با بُعد احساسی، تعامل اجتماعی با بُعد شناختی، تعلق و علائق اجتماعی با بُعد احساسی و اعتماد نیز با بُعد احساسی شادی رابطه قوی‌تری دارند [۱].

چوقادی در سال ۱۳۸۹ در مطالعه‌ای به بررسی مطالعه عوامل روانی اجتماعی مؤثر بر شادی زنان شهرضا پرداخته است. روش مطالعه پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش ۳۸۴ نفر از زنان ۲۰-۸۰ سال این شهر را تشکیل می‌دهند. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که به جز عوامل عینی، بین همه متغیرها با شادی رابطه معناداری وجود داشت. نتایج رگرسیون هم‌زمان نیز نشان داد که از بین ۱۵ متغیر بررسی شده فقط برون‌گرایی، روان‌رنجوری، وجدان‌گرایی، هوش هیجانی، سرمایه فرهنگی، دین‌داری، میزان درآمد و وضعیت تحصیلات قادر به پیش‌بینی معنادار شادمانی بودند و همه متغیرهای وارد شده در مدل ۳۹ درصد از شادی زنان را تبیین می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که عوامل شخصیتی بیش از عوامل عینی مؤثر بر شادی زنان بوده‌اند و بین عوامل شخصیتی، روان‌رنجوری مؤثرترین عامل بوده است [۵].

تفاوت تحقیقات انجام‌شده با پژوهش حاضر در این است که در اغلب این پژوهش‌ها محققان با رویکردهای روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه پدیده شادی را مطالعه کرده‌اند، حال آنکه در این تحقیق تلاش شده با انجام دادن یک تحلیل اقتصادسنجی و با رویکردی اقتصادی-اجتماعی، عوامل مؤثر بر شادی در میان زنان مطالعه شود.

مبانی نظری پژوهش

در دهه‌های اخیر، با مطرح شدن روزافزون اهمیت شادی در زندگی انسان‌ها و نقش آن به منظور مقابله با پیچیدگی‌ها و مشکلات زندگی امروز - به‌خصوص در کلان‌شهرها - معنای مقوله شادی فراتر از معنای تاریخی آن است که از سوی روان‌شناسان ارائه می‌شد. جامع‌ترین و درعین حال عملیاتی‌ترین تعریف شادی را وینهوون^۱ (۱۹۸۸) ارائه کرده است. از نظر وی، شادی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت زندگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادی به این معناست که فرد چگونه از زندگی خود لذت می‌برد. امروزه شادی یکی از نیازهای اصلی جامعه است؛ از این رو، تحقیقات و پژوهش‌های متعددی به موضوع «شادی و شادکامی» پرداخته‌اند. اگرچه جامعه‌شناسان توجه چندانی به مفهوم شادکامی نداشته و از میان کلاسیک‌ها تنها کنت، زیمل و دورکیم اشارات پراکنده‌ای به مفاهیم شادی و خوشبختی داشته‌اند [۱۹، ص ۸۵]، اکنون نظریه‌های مختلفی ارائه شده که

از ابعاد گوناگون به این موضوع پرداخته‌اند. برخی از این نظریه‌های مطرح در این حوزه به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

نظریهٔ مازلو

مازلو^۱ به‌عنوان یک روان‌شناس معتقد است که پویایی و بی‌پایانی تابع قانون‌مندی خاصی است. وی نیازهای انسانی را نوع مخصوصی از غرایز می‌داند که در حیوانات یافت نمی‌شود. اغلب علمای روان‌شناسی دربارهٔ نیازها سخن گفته‌اند، اما نظریه‌های مازلو دربارهٔ نیازها و سلسله‌مراتب نیازها در انسان اهمیت خاصی دارد. براساس «نظریهٔ سلسله‌مراتب نیازهای مازلو» نیازهای انسانی به پنج دسته به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

- نیازهای فیزیولوژیک یا جسمانی؛
- نیاز به امنیت و اطمینان؛
- نیازهای اجتماعی یا تعلق به دیگران؛
- نیازهای من یا صیانت ذات، نیاز به احترام؛
- نیازهای خودیابی و تحقق خویشتن.

بدین ترتیب، با ارضای هریک از این نیازها، بر میزان شادکامی افراد افزوده می‌شود [۱۷، ص ۳۹].

نظریهٔ لذت‌گرایی^۲

این نظریه براساس نظریهٔ فایده‌گرایی بنتام^۳ ارائه شده است. براساس این نظریه، خوشبختی فقط یک احساس است. زندگی شاد لذت انسان را افزایش می‌دهد و غم انسان را کم می‌کند [۲۹، ص ۱].

اما آرگایل^۴ (۲۰۰۱) در تعریف خود از شادکامی به بررسی‌های زمینه‌یابی که روی نمونه‌های فراوانی انجام شده اشاره می‌کند و معتقد است شادکامی شامل سه جزء است:

۱. حالت خوشحالی یا سرور (هیجانان مثبت)؛
۲. راضی‌بودن از زندگی؛
۳. فقدان افسردگی و اضطراب (عواطف منفی).

این تعریف، مجموعاً عواطف منفی و مثبت را که اموری درونی‌اند در نظر گرفته و در بعد بیرونی نیز به رضایت از زندگی اشاره دارد. در حال حاضر، تعریف آرگایل مورد قبول بیشتر

1. Maslow
2. epicureanism
3. Bentham's Utilitarianism Theory
4. Argyle

محققان قرار گرفته است. البته گفتنی است شادکامی منابعی اساسی دارد که تحت تأثیر آن‌ها شادی ایجاد می‌شود. یکی از این منابع وجود شبکه‌ای از ارتباطات است. برای شکل‌دهی ارتباط، به‌ویژه از نوع نزدیک، به سطح بالایی از خودابزاری نیاز است. بدون خودابزاری، مردم تنها خواهند ماند. شبکه اجتماعی که گروه ایجاد می‌کند برای رشد و حفظ هویت، توجه به عامل زمان، شناخت عواطف مثبت و منفی در ارتباطات کلامی، دخالت مکانیزم‌های روانی در شادکامی و تبیین آن‌ها، اندازه‌گیری آثار و بررسی‌های آزمایشگاهی شادکامی، وجود تفاوت‌های جنسیتی و توجه به جایگاه شادکامی در ساختار مغز و نقش انتقال‌دهنده‌های عصبی و همچنین ارتباط طول عمر، وراثت، محیط و شخصیت در شادکامی هستند [۱۷، ص ۳۹-۴۰].

نظریه زندگی کامل^۱

از نظریه‌های مهم درباره شادکامی، نظریه «زندگی کامل» سلیگمن^۲ است. سلیگمن الگویی از چهار نوع زندگی نیک را مطرح می‌کند که همچون نظریه ارسطو بر یک نظام سلسله‌مراتبی و از ساده به پیچیده تدوین یافته است. سلیگمن ساده‌ترین زندگی از انواع چهارگانه زندگی خوب (نیک) را «زندگی لذت‌بخش»^۳ می‌نامد. پس از آن «زندگی مشتاقانه»^۴ قرار دارد و سومین نوع زندگی خوب «زندگی بامعنا»^۵ است. چهارمین نوع زندگی، که درحقیقت پیچیده‌ترین شکل زندگی نیک است، «زندگی کامل» است.

یورگنسن^۶ و نفستاد^۷ آخرین و پیچیده‌ترین نوع زندگی خوب را از دیدگاه روان‌شناسان مثبت‌گرایی چون سلیگمن «زندگی کامل» می‌دانند و آن را عبارت می‌دانند از مجموعه سه زندگی خوب به همراه ویژگی‌های آن‌ها. به اعتقاد سلیگمن، سرانجام یک زندگی کامل عبارت است از: تجربه کردن هیجان‌های مثبت گذشته و آینده، با آرامش احساسات مثبت از لذت‌های کنونی (زمان حال)، به دست آوردن مسرت از توان‌مندی‌های ذاتی و استفاده از آن‌ها و در خدمت هدف یا اهدافی بالاتر و فراتر از خویش و به منظور دستیابی به معنا. از این‌رو، می‌توان فرمول آن را چنین بیان داشت:

زندگی بامعنا + زندگی مشتاقانه + زندگی لذت‌بخش = شادکامی

روان‌شناسان مثبت‌گرا بر این باورند که حرکت به سمت یکی از انواع چهارگانه زندگی خوب (نیک)، خاصه نوع چهارم آن، آدمی را به خشنودی از زندگی، بهزیستی روانی و سرانجام سعادت و خوشبختی نائل می‌گرداند [۴، ص ۶۹۹-۷۰۰].

1. full life
2. Seligman
3. a pleasant life
4. engagement life
5. the meaningful Life
6. Jørgensen
7. Nafstad

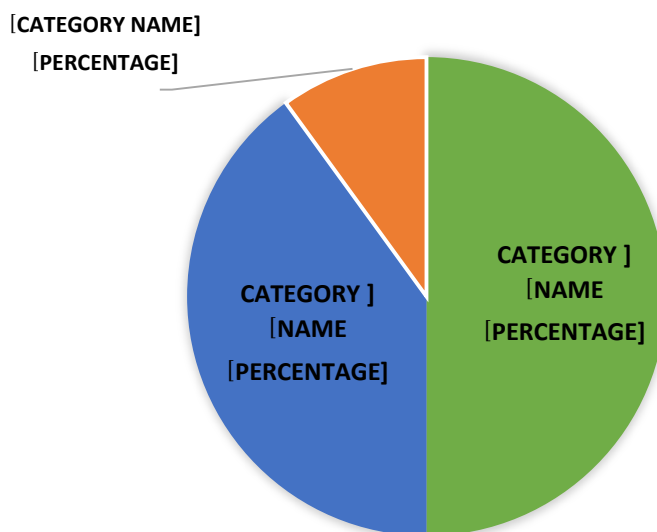
نظریه شادکامی پایدار

یکی از نظریه‌های پر استفاده شادکامی در میان نظریه‌های جدید، نظریه شادکامی پایدار^۱ است که سونیا لوبومیرسکی^۲ ارائه کرده است. در الگوی شادکامی پایدار لوبومیرسکی، عوامل تعیین کننده سطح شادکامی یا عوامل علی مؤثر بر شادکامی افراد به سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند که در ادامه آن‌ها را بیان خواهیم کرد:

- **عوامل وضعی یا عوامل تثبیت شده^۳:** عوامل وضعی شادکامی امور ثابت ژنتیکی‌ای هستند که سبب می‌شوند بعضی از افراد شادمان‌تر از دیگران به دنیا بیایند. براساس مطالعات انجام شده، این عوامل بیشترین سهم (۵۰ درصد) را در تعیین شادکامی افراد به خود اختصاص داده‌اند.
- **عوامل مرتبط با شرایط زندگی^۴:** شرایط محیطی به عوامل جمعیت‌شناختی^۵ همچون: سن، وضعیت تأهل و مجرد، وضعیت شغلی، سطح درآمد فرد و همچنین به عوامل جغرافیایی و متغیرهای زمینه‌ای (بافتی) نظیر خانه و منطقه محل سکونت، نحوه پر کردن اوقات فراغت و دارایی‌ها و مایملک فرد اطلاق می‌شوند که همگی در یک چیز مشترک‌اند و آن اینکه تقریباً ایستا و ثابت‌اند. بر اساس این نظریه، افراد خیلی سریع با تغییرات محیطی مثبت، به دلیل ویژگی ثابتی که دارند، سازگار می‌شوند؛ مثلاً، اگرچه هر کسی بعد از افزایش دستمزد، پول بادآورده یا برد در قمار احساس خوشحالی بیشتری می‌کند، به زودی به آن عادت می‌کند و تأثیر آن به سرعت از بین می‌رود. سازگاری سریع با افزایش دستمزد به این معناست که این روش فقط زمانی مؤثر است که مرتب انجام شود که در آن صورت بسیار هزینه‌بر است. به این حالت در نظریه‌های شادکامی و لذت‌های مثبت «سازگاری لذت‌گرایانه»^۶ یا «تردمیل لذت‌گرایانه»^۷ می‌گویند. برخلاف آنکه این عوامل شرایطی بسیار پر سر و صدا دارند و بخش عمده‌ای از توجه مردم و رسانه‌ها را به خود جلب می‌کنند، فقط حدود ۱۰ درصد شادکامی را تبیین می‌کنند.
- **عوامل مرتبط با فعالیت‌های ارادی (قصدمند)^۸:** منظور از عوامل ارادی/اختیاری - که لوبومیرسکی و شلدون از آن‌ها به‌عنوان «امیدبخش‌ترین ابزارها برای تغییر دادن سطح

1. sustainable happiness
 2. Sonja Lyubomirsky
 3. Set Point
 4. life circumstances
 5. demographic variables
 6. hedonic adaptation
 7. hedonic treadmill
 8. intentional/volitional activity

شادکامی افراد» یاد می‌کنند. «اعمال اختیاری و مستلزم تلاش و کوشش‌اند که فرد درگیر آن‌ها می‌شود. چنین اعمالی می‌توانند شناختی (نگرش‌های مثبت یا خوش‌بینانه و پذیرش آن‌ها)، رفتاری (مهربانی کردن به دیگران به‌طور مرتب یا ورزش کردن به‌طور مرتب) یا ارادی و قصدمند (تعیین و پیگیری اهداف مهم و معنادار شخصی) باشند. وجه مشترک همه این‌ها تلاش و تعهد ارادی (آگاهانه) است.»



شکل ۱. تعیین‌کننده‌های سه‌گانه شادکامی پایدار براساس نظریه لوبومیرسکی

بنابراین، بخش اعظم شادکامی پایدار آدمی به فعالیت‌هایی بستگی دارند که افراد آن‌ها را انتخاب می‌کنند و هدفمندانه به انجام‌دادن آن‌ها مبادرت می‌ورزند و چون این اعمال ویژگی ارادی و انتخابی دارند، در برابر سازگاری مقاوم‌تر از عوامل شرایطی‌اند. از این‌رو، فرمول شادکامی مطابق الگوی لوبومیرسکی چنین است: فعالیت‌های ارادی + شرایط محیطی + عوامل وضعی = شادکامی (H = S + C + V) [۴]، ص ۷۲۴-۷۲۶.]

چارچوب نظری پژوهش

برای تدوین چارچوب نظری این تحقیق ابتدا باید اشاره داشت که شادی حالتی روانی است، اما از عوامل متعددی همچون عوامل اجتماعی و اقتصادی متأثر است و متن‌های اجتماعی به‌شدت

بر آن اثر می‌گذارند. با توجه به اینکه درخصوص تبیین رابطه «شادی» با «سرمایه‌های اجتماعی» و «سرمایه‌های اقتصادی» نظریه واحدی وجود ندارد، می‌بایست از تلفیق نظریه‌های گوناگون برای تبیین چارچوب مفهومی پژوهش استفاده کرد.

نظریه «سرمایه اجتماعی» اولین نظریه مطرح در چارچوب مفهومی این پژوهش است. در دهه‌های اخیر، در کنار انواع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و انسانی، نوع جدیدی از سرمایه با عنوان «سرمایه اجتماعی» مطرح شده که از اهمیتی بسزا در حوزه شادکامی برخوردار است. متن‌های اجتماعی به‌شدت بر شادی مؤثرند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که سرمایه اجتماعی از عوامل و متغیرهای مهم و اثرگذار بر شادکامی است.

پاتنام^۱ از صاحب‌نظرانی است که در دهه‌های اخیر در رواج اندیشه سرمایه اجتماعی نقش بسزایی داشته است؛ تا جایی که رویکرد وی در باب سرمایه اجتماعی رویکردی غالب محسوب و رویکرد «معیار» نامیده می‌شود [۸، ص ۳۳۳]. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح خرد به کار می‌گیرد و سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی (اعتماد، هنجارها و شبکه) است که به بهبود کارآیی جامعه منجر می‌شود و نبود این ویژگی‌ها، بی‌اعتمادی، عهدشکنی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌رحمی و رکود را به دنبال خواهد داشت. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای تعیین میزان شادی افراد و کیفیت زندگی در اجتماع است. بنابراین، برای افزایش سطح شادی مردم، سرمایه‌گذاری در حوزه سرمایه اجتماعی بسیار سودمندتر از سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی است [۳، ص ۱۲]. وی در مطالعه‌ای تطبیقی میان ایالت‌های مختلف در امریکا و همچنین حکومت‌های تازه تأسیس ایتالیا در شمال و جنوب در دهه ۱۹۷۰ تأثیر سرمایه اجتماعی را در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دموکراسی از سویی و رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر مورد توجه قرار داده است. بدین‌صورت که مناطق دارای سرمایه اجتماعی زیاد اجتماع مدنی زنده و پرشوری دارند و در نتیجه اقتصاد پررونق و نهادهای سیاسی فعال دارند؛ ولی مناطق دارای سرمایه اجتماعی اندک در عرصه اجتماع، اقتصاد و سیاست دچار مشکل‌اند.

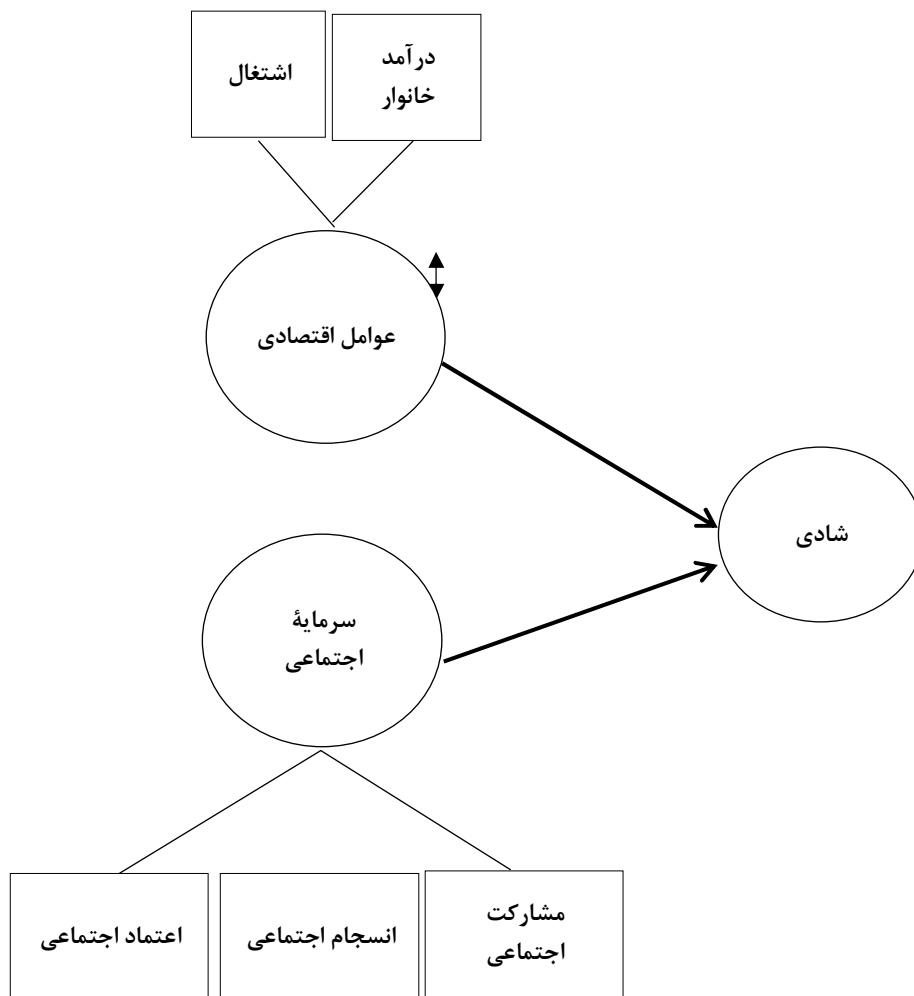
از میان اقتصاددانان نیز استرلین اولین اقتصاددانی است که از داده‌های شادمانی برای مطالعات اقتصادی بهره برده است. داده‌هایی که وی در مطالعه اولیه‌اش استفاده کرده مربوط به ایالات متحده امریکاست که اطلاعات رشد اقتصادی و شادمانی را در دوره ۱۹۴۶-۱۹۵۷ نشان می‌دهد. استرلین نشان داده است درآمد بالا لزوماً موجب شادمانی نمی‌شود. او نشان داد شادمانی در کشورهای مختلف با رشد اقتصادی رابطه‌ای ندارد. به عبارت دیگر، افزایش رشد اقتصادی به افزایش شادمانی افراد منجر نمی‌شود. این بحث با عنوان پارادوکس (معمای) استرلین مطرح شد. استرلین معتقد است شادمانی نسبی است: افرادی که در یک جامعه

1. Putnam

زندگی می‌کنند، خود را در مقام قیاس با دیگران قرار می‌دهند، پس سطح رشد اقتصادی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند بر شادمانی افراد آن جامعه اثری نخواهد گذاشت [۱۰، ص ۸]. اما آرگیل و لو^۱ (۱۹۹۰) ضمن تأیید ارتباط مثبت بین درآمد و شادکامی، نشان می‌دهد که این ارتباط بین اقشار کم‌درآمد بیشتر است. به عبارت دیگر، درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌کند بر شادمانی تأثیر دارد، ولی درآمد بیش از حد مورد نیاز شادمانی را افزایش نمی‌دهد.

یکی دیگر از متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر شادی اشتغال است. اشتغال به غیر از منفعت مالی، به دلایلی نظیر ایجاد حس مفیدبودن و شخصیت اجتماعی، یک احساس شادی مضاعف ایجاد می‌کند. کیفیت زندگی فردی که به صورت غیرارادی بیکار است می‌تواند به شدت نزول کند، زیرا وی احساس می‌کند از میان جمع رانده شده و کسی به او اعتنا نکرده و عزت نفس او لطمه دیده است. درواقع، از دیدگاه روان‌شناسان، فرد بیکار جایگاه و منزلت اجتماعی خود را در خطر می‌بیند و از این‌رو دچار ناامیدی و نارضایتی می‌شود. بر این اساس، نگاه به اشتغال، صرفاً از بعد مالی آن، اثرگذاری این متغیر مهم را بر فرد و جامعه به شدت کمتر از واقع برآورد می‌کند.

بر مبنای نظریه مازلو، شرایط اقتصادی نیز به‌عنوان «نیازهای اولیه» پیش‌شرط تحقق سایر نیازهاست. به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی و اقتصادی لازم و ملزوم یکدیگرند و در تحقق مسئله «رضایت از زندگی» و به تبع آن دستیابی به «شادکامی» در کنار یکدیگر به‌طور مؤثر ایفای نقش می‌کنند. بنابراین، بر مبنای چارچوب نظری یادشده می‌توان مدل ذیل را تنظیم و فرضیات را به تبع آن تدوین کرد:



شکل ۲. مدل پژوهش

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد میان سرمایه اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) و عوامل اقتصادی (اشتغال و درآمد خانوار) و میزان شادی زنان ۱۵-۶۵ ساله در شهر تهران رابطه مستقیم وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. به نظر می‌رسد میزان اعتماد اجتماعی بالاتر به‌طور مستقیم با افزایش شادی زنان رابطه دارد؛
۲. به نظر می‌رسد میزان انسجام اجتماعی بالاتر به‌طور مستقیم با افزایش شادی زنان رابطه دارد؛
۳. به نظر می‌رسد میزان مشارکت اجتماعی بالا به‌طور مستقیم با افزایش شادی زنان رابطه دارد؛
۴. به نظر می‌رسد اشتغال به‌طور مستقیم با افزایش شادی زنان رابطه دارد؛
۵. به نظر می‌رسد میزان درآمد بالاتر خانوار به‌طور مستقیم با افزایش شادی زنان رابطه دارد؛
۶. به نظر می‌رسد متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات با شادی زنان رابطه دارند.

روش پژوهش

این پژوهش پیمایشی مقطعی است و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه به دنبال شناسایی عوامل اثرگذار بر میزان شادکامی زنان در شهر تهران است. جامعه آماری این پژوهش زنان ۱۸-۶۵ سال شهر تهران است که تعداد آن‌ها براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، ۶ میلیون و ۵۹۳ هزار و ۹۶۵ نفر است. برای انتخاب حجم نمونه تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده که براساس محاسبه این فرمول تعداد $n=384$ نفر به‌عنوان حجم نمونه به دست آمده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین‌صورت که افراد از اقشار مختلف ساکن در مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران در تکمیل پرسش‌نامه نقش داشته باشند.

جهت تعیین روایی صوری پرسش‌نامه‌های این پژوهش از پرسش‌نامه استاندارد اصلاح‌شده سنجش شادی آکسفورد استفاده شده است. همچنین، از استادان متخصص نظرخواهی به عمل آمد که پس از اعمال آرای آن‌ها پرسش‌نامه تأیید شد. برای تعیین پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. گویه‌های پرسش‌نامه و نتایج خروجی این آزمون مطابق جدول ۱ به شرح ذیل است:

جدول ۱. گویه‌های پرسش‌نامه و تعیین آلفای کرونباخ پرسش‌نامه

متغیرها	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
شادی	۱. از وضعی که در آن هستم کاملاً لذت می‌برم.	۰٫۸۴۷
	۲. احساس می‌کنم آینده سرشار از امید و خوشحالی است.	
	۳. احساس می‌کنم کلاً بر همه جنبه‌های زندگی‌ام کنترل دارم.	
	۴. زندگی‌ام کاملاً معنادار و هدفمند است.	
	۵. فکر می‌کنم دنیا جایی عالی برای زندگی است.	
	۶. همواره با احساس راحتی از خواب بیدار می‌شوم.	
	۷. همه وقایع گذشته برایم خوشایند است.	
	۸. همیشه با دیگران شوخی می‌کنم و ارتباط خوبی با دیگران دارم.	
	۹. همیشه تأثیر خوب و نشاط‌آوری بر دیگران دارم.	
	۱۰. فکر می‌کنم بسیار جذاب هستم.	
	۱۱. می‌توانم هر کاری را به‌موقع انجام دهم.	
	۱۲. هر نوع تصمیم‌گیری برایم آسان است.	
	۱۳. به دیگران علاقه بسیاری دارم.	
انسجام اجتماعی	۱. اگر مشکلی برای من پیش آید، دوستانم از من حمایت می‌کنند.	۰٫۷۸۷
	۲. با فامیل‌های نزدیکم رفت‌وآمد خانوادگی دارم.	
	۳. دوستانی دارم که هنگام نیاز با آن‌ها تماس می‌گیرم.	
	۴. با همسایه‌ها و اهالی محله خود احساس دوستی و تعلق و همدلی دارم.	
	۵. از مشارکت در فعالیت‌های جمعی لذت می‌برم.	
	۶. در ارتباط با زندگی شخصی‌ام به راحتی با نزدیکان خود صحبت می‌کنم.	
	۷. اگر فردی مشکلی داشته باشد و از من کمک بخواهد، کمکش می‌کنم.	
مشارکت اجتماعی	۱. معمولاً دیگران را برای رأی‌دادن در انتخابات تشویق می‌کنم.	۰٫۷۹۱
	۲. علاقه‌مندم در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی با دیگران همکاری کنم.	
	۳. در انتخابات شوراها مشارکت فعالانه‌ای دارم.	
	۴. عضو انجمن‌های محلی (انجمن اسلامی و انجمن‌های خیریه و...) هستم.	
	۵. در حل مشکلات مربوط به محله و شهر حاضر به مشارکت هستم.	
اعتماد اجتماعی	۱. زندگی جمعی ایجاب می‌کند که به دیگران باید اعتماد کرد.	۰٫۷۴۹
	۲. خودخواهی و سودجویی به زندگی جمعی آسیب می‌زند.	
	۳. باید حقوق و منافع دیگران را نیز در نظر گرفت.	
	۴. معمولاً به تعهد و قول شفاهی دیگران اطمینان دارم.	
	۵. به پلیس و قضات و کارمندان اداری اعتماد دارم.	
	۶. به راننده و بنگاهدار و بازاری اعتماد دارم.	

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه شادی ($\alpha=0.847$)، انسجام اجتماعی ($\alpha=0.787$)، مشارکت اجتماعی ($\alpha=0.791$) و اعتماد اجتماعی ($\alpha=0.749$) به دست آمده که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار تحقیق است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای شامل سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات است. از ۳۶۸ نفر نمونه تحقیق، ۶۱ درصد (۲۲۵ نفر) در سنین ۱۸ تا ۳۵ سال و ۳۹ درصد (۱۴۳ نفر) در سنین ۳۵ تا ۶۲ سال قرار داشته‌اند. همچنین ۴۱ درصد (۱۵۰ نفر) از نمونه مورد نظر مجرد و ۵۹ درصد (۲۱۸ نفر) متأهل بودند. در بررسی میزان تحصیلات نمونه تحقیق مشاهده شد که ۵۷ درصد از حجم نمونه (۲۰۹ نفر) مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد دارند. حدود ۳۲ درصد (۱۱۸ نفر) سطح تحصیلاتی پایین‌تر از کارشناسی دارند و ۱۱ درصد (۴۱ نفر) دانشجوی دکتری یا فارغ‌التحصیل این مقطع هستند. جزئیات بیشتر در رابطه با وضعیت متغیرهای زمینه‌ای در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر	فراوانی	درصد
سن	۱۸ تا ۲۶ سال	۷۸
	۲۷ تا ۳۵ سال	۱۴۷
	۳۶ تا ۴۴ سال	۸۱
	۴۵ تا ۵۳ سال	۵۱
	۵۴ تا ۶۲ سال	۱۱
وضعیت تأهل	متأهل	۲۳۰
	مجرد	۱۴۱
تحصیلات	زیر دیپلم	۱۴
	دیپلم	۷۶
	کاردانی	۱۸
	کارشناسی	۱۱۱
	کارشناسی ارشد	۱۱۰
	دانشجوی دکتری	۲۲
دکتری	۲۰	۵,۴

سرمایه اجتماعی

مطابق با چارچوب نظری، در این پژوهش سرمایه اجتماعی شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی در نظر گرفته شده است.

- اعتماد اجتماعی: (اعتماد بین شخصی) را می‌توان حسن‌ظن فرد به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود. برای سنجش این شاخص از میانگین نمره‌های پرسش‌نامه شامل ۶ گویه در بخش اعتماد اجتماعی استفاده می‌شود.

- انسجام اجتماعی: به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن اجزای تشکیل‌دهنده جامعه به‌گونه‌ای به یکدیگر وصل می‌شوند که کل معنادار و مؤثری را به وجود می‌آورند. به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی است که تضمین می‌کند افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی به اشتراک ذهنی (مدل ذهنی مشترک) برسند، به قوانین و قواعد آن تن دهند، از امکانات آن استفاده کنند و در مقابل توانایی‌های خویش را براساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه بازشناسی کنند، پرورش دهند و در جامعه مشارکت فراگیر و مؤثر داشته باشند که این وضعیت ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه را توسعه می‌دهد [۱۶، ص ۴۹]. به منظور عملیاتی کردن از میانگین نمره‌های پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی، که در بخش انسجام اجتماعی شامل ۷ گویه است، استفاده شده است.

- مشارکت اجتماعی: عبارت است از شرکت کم‌وبیش آشکار فرد در حیات اقتصادی، فرهنگی و تقبل مسئولیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مدنی و نظایر آن [۱۳، ص ۸۱]. جهت سنجش آن از میانگین نمره‌های پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی، که در بخش مشارکت اجتماعی شامل ۵ گویه است، استفاده شده است.

خصوصیات آماری این متغیرها در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳. آمار توصیفی سرمایه اجتماعی

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	
۰,۵۸	۳,۷۰	۵,۰۰	۱,۴۲	انسجام اجتماعی
۰,۷۹	۳,۲۳	۵,۰۰	۱,۰۰	مشارکت اجتماعی
۰,۵۸	۳,۲۳	۴,۶۷	۱,۳۳	اعتماد اجتماعی

عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی بررسی شده در این تحقیق شامل وضعیت اشتغال و درآمد خانوار است. از ۳۶۸ نفر نمونه تحقیق، ۵۸ درصد (۲۱۲ نفر) شاغل و ۴۲ درصد (۱۵۶ نفر) غیرشاغل (جویای کار) بوده‌اند. براساس داده‌های استخراج شده در میان پاسخ‌دهندگان ۵۵ درصد (۲۰۳ نفر) درآمد ماهیانه خانوار آن‌ها کمتر از ۳ میلیون تومان، ۳۳ درصد (۱۲۲ نفر) میزان درآمد ماهیانه خانوار

آن‌ها بین ۳ تا ۶ میلیون تومان و ۱۱ درصد (۴۳ نفر) از نمونه‌های تحقیق درآمد ماهیانه‌ای بیشتر از ۶ میلیون تومان داشته‌اند. جزئیات بیشتری در این رابطه در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب ویژگی‌های اقتصادی

متغیر	فروانی	درصد
وضعیت اشتغال	شاغل	۵۸
	غیرشاغل (جویای کار)	۴۲
وضعیت درآمد خانوار	یک میلیون تومان و کمتر	۵
	۱ تا ۲ میلیون تومان	۲۳
	۲ تا ۳ میلیون تومان	۲۷
	۳ تا ۴ میلیون تومان	۱۰
	۴ تا ۵ میلیون تومان	۱۷
	۵ تا ۶ میلیون تومان	۶
	۶ تا ۷ میلیون تومان	۲
	۷ تا ۸ میلیون تومان	۴
	۸ تا ۹ میلیون تومان	۳
	بیشتر از ۹ میلیون تومان	۲

متغیر وابسته: شادی

شادی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت زندگی اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، شادی به این معناست که فرد چگونه از زندگی خود لذت می‌برد. از این رو، شادی یک شاخص ذهنی است که لازم است به صورت کمی سنجیده شود. در این مقاله، جهت سنجش کمی و عملیاتی کردن این مفهوم با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد اصلاح‌شده آکسفورد، میانگین نمره‌های ۱۳ گویه در پنج عامل رضایت از زندگی، رضایت خاطر، حرمت خود، خلق مثبت و انرژی مثبت سنجیده می‌شود. بنابراین، برای هر پاسخ‌گو مقادیر شاخص شادی بین یک تا ۵ تغییر می‌کند. ویژگی‌های آماری این متغیر در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. آمار توصیفی شادی

شادی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
	۱،۰۰	۴،۴۶	۳،۱۹	۰،۵۸

الگو و نتایج برآورد آن

تحلیل رگرسیون به‌منزله روشی کاربردی در تحلیل داده‌ها در بسیاری از مطالعات علوم اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌شود. در این بخش، با استفاده از رگرسیون مقطعی، تأثیر متغیرهای بالقوه مطرح‌شده در بخش قبل بر شادی زنان بررسی می‌شود. داده‌های بررسی‌شده در پژوهش داده‌های مقطعی از زنان ۱۸-۶۵ سال شهر تهران است که به منظور تحلیل آماری آن از روش اقتصادسنجی و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار Eviews و برآوردگر حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. بدین منظور، الگوی ذیل تخمین زده می‌شود.

$$Hap_i = \alpha + \beta_1 O_i + \beta_2 M_i + \beta_3 ED_i + \beta_4 EM_i + \beta_5 I_i + \beta_6 SC_i + \beta_7 SP_i + \beta_8 ST_i + u_i$$

O: سن

M: وضعیت تأهل

ED: تحصیلات

EM: وضعیت اشتغال

I: سطح درآمد ماهیانه خانوار

SC: انسجام اجتماعی

SP: مشارکت اجتماعی

ST: اعتماد اجتماعی

جهت آزمون فرضیات پژوهش مبنی بر وجود اثر معنادار متغیرهای توضیح‌دهنده بر شادکامی زنان رگرسیون فوق برآورد شده و نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج برآورد الگو با در نظر گرفتن همه متغیرها

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح عدم اطمینان
عرض از مبدا	۰٫۷۵۶	۰٫۲۳۸	۳٫۱۷۳	۰٫۰۰۱
سن (O)	۰٫۰۰۲	۰٫۰۰۳	۰٫۶۴۹	۰٫۵۱۶
تأهل (M)	۰٫۰۴۸	۰٫۰۶۶	۰٫۷۲۵	۰٫۴۶۸
تحصیلات (ED)	-۰٫۰۵۱	۰٫۰۲۳	-۲٫۲۳۴	۰٫۰۲۶
اشتغال (EM)	-۰٫۰۱۸	۰٫۰۷۱	-۰٫۲۵۳	۰٫۷۹۹
درآمد خانوار (I)	۰٫۰۲۷	۰٫۰۱۴	۱٫۸۵۶	۰٫۰۶۴
انسجام اجتماعی (SC)	۰٫۳۷۴	۰٫۰۵۹	۶٫۲۸۴	۰٫۰۰۰
مشارکت اجتماعی (SP)	۰٫۱۴۲	۰٫۰۴۲	۳٫۳۵۲	۰٫۰۰۰
اعتماد اجتماعی (ST)	۰٫۱۷۵	۰٫۰۵۸	۳٫۰۱۰	۰٫۰۰۲

آزمون‌های تشخیصی:

F-statistic prob: 0.0000

Durbin-Watson statistic: 1.81

Jarque-bera test prob: 0.203

Breusch-Godfrey LM Test prob: 0.167

Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey prob: 0.405

براساس نتایج حاصل از تخمین کل مدل که در جدول ۶ ارائه شده است، در میان متغیرهای لحاظ شده در الگو، اثر سه متغیر سن، تأهل و اشتغال تأیید نشده است. مقادیر سطح عدم اطمینان برای این سه متغیر نشان می‌دهد که ضرایب هر یک از آن‌ها معناداری لازم را ندارد. از این رو می‌توان حذف هم‌زمان این متغیرها از الگو را آزمود. برای این منظور از آزمون حذف متغیرهای غیرضروری استفاده می‌کنیم که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، سطح عدم اطمینان برای آزمون مورد نظر از ۰/۱۰۵ بزرگ‌تر است. بدین ترتیب، فرضیه صفر آزمون مبنی بر صفر بودن هم‌زمان ضرایب سه متغیر و عدم معناداری هم‌زمان آن‌ها را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نمی‌توان رد کرد. بنابراین، می‌توان متغیرهای ذکر شده را از الگو خارج کرد. در جدول ۸، نتایج برآورد الگو با در نظر گرفتن متغیرهای مؤثر بر شادکامی زنان ارائه شده است.

جدول ۷. آزمون حذف متغیرهای غیرضروری

سطح عدم اطمینان	درجه آزادی	مقدار آماره	آماره آزمون
۰/۶۴۹	(۳ و ۳۵۹)	۰/۵۴۸	F-statistic

جدول ۸. نتایج برآورد الگو با در نظر گرفتن متغیرهای اثرگذار

سطح عدم اطمینان	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
۰/۰۰۰	۳/۷۰۶	۰/۲۲۴	۰/۸۳۲	عرض از مبدأ
۰/۰۰۳	-۲/۹۵۳	۰/۰۱۹	-۰/۰۵۹	تحصیلات (ED)
۰/۰۴۶	۲/۰۰۶	۰/۰۱۴	۰/۰۲۹	درآمد خانوار (I)
۰/۰۰۰	۶/۴۵۷	۰/۰۵۹	۰/۳۸۲	انسجام اجتماعی (SC)
۰/۰۰۰	۳/۴۴۱	۰/۰۴۲	۰/۱۴۵	مشارکت اجتماعی (SP)
۰/۰۰۲	۳/۰۱۰	۰/۰۵۸	۰/۱۷۸	اعتماد اجتماعی (ST)

آزمون‌های تشخیصی:

F-statistic prob: 0.0000

Durbin-Watson statistic: 1.79

Jarque-bera test prob: 0.165

Breusch-Godfrey LM Test prob: 0.146

Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey prob: 0.201

براساس نتایج به دست آمده، در میان متغیرهای زمینه‌ای فقط متغیر میزان تحصیلات بر شادکامی زنان اثر معناداری داشته است. منفی بودن ضریب حاصل نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات شادکامی زنان کاهش می‌یابد. این یافته پژوهش از آنجا حائز اهمیت و جالب توجه است که انتظار می‌رود با افزایش سطح تحصیلات، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان به نسبت افزایش یافته و به دنبال افزایش مشارکت اجتماعی و ادغام اجتماعی آنان در جامعه، میزان شادی و نشاط زنان افزایش یابد. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میان انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی و شادی زنان رابطه

معنادار و مثبتی وجود دارد. بدین معنا که با افزایش میزان هریک از این متغیرها، میزان شادی در زنان نیز به همان نسبت افزایش یابد. علاوه بر این، نتایج تخمین نشان می‌دهد مطابق با انتظار تأثیر درآمد خانوار بر شادکامی زنان مثبت بوده است.

در مجموع، نتایج آزمون‌های تشخیصی ارائه شده در انتهای جدول ۸ نشان می‌دهد براساس سطح عدم اطمینان آزمون F ، که معناداری کل مدل را بررسی می‌کند، این الگو از معناداری کلی برخوردار است. از طرف دیگر، مشکل واریانس ناهمسانی و خودهمبستگی در اجزای خطا وجود ندارد و ویژگی نرمال داشتن جملات خطاست. از این رو، فرض‌های کلاسیک رگرسیون برقرار بوده و می‌توان به الگوی برآورده شده اعتماد کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در شهرهای بزرگی همچون تهران ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و ایفای نقش‌های متعدد در یک زمان موجب تعارض نقش‌ها با یکدیگر شده و به نظر می‌رسد این مسئله میزان شادی و نشاط زنان را تحت تأثیر قرار داده است. علاوه بر تعارض نقش‌ها، زندگی پرهیاهو در کلان‌شهرها، به دلیل شتاب روزافزون سرعت زندگی و بروز مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوان، افراد را مستعد خمودگی، افسردگی و احساس ناخشنودی کرده و این امر سلامت روانی افراد و در نتیجه سلامت جامعه را از ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد تهدید قرار می‌دهد و زنان به دلیل ورود به زندگی اجتماعی بیشتر در معرض این آسیب‌ها قرار دارند. بنابراین، از گام‌های اولیه جهت استفاده مطلوب از این سرمایه ملی - یعنی زنان - که نقشی کاربردی در توسعه جامعه دارند، اقدام در جهت شادی آنان و برآورده کردن نیازهای روانی - اجتماعی‌شان است. در پژوهش حاضر، تلاش شده تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و عوامل اقتصادی بر شادی در زنان مطالعه شود.

با توجه به مدل مفهومی پژوهش، شش فرضیه تحلیل و بررسی شد. در این تحقیق، شادی زنان به‌منزله متغیر وابسته و سایر متغیرها شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، درآمد، بیکاری و متغیرهای زمینه‌ای شامل: سن، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات، به‌عنوان متغیرهای مستقل بررسی شدند. براساس نتایج بین انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با شادی زنان، رابطه مثبت معناداری مشاهده شد؛ به‌طوری‌که ضریب هر سه متغیر انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی مثبت و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده است. داشتن ارتباط مؤثر و مناسب برای انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اساساً شأن انسانی از طریق ارتباط تجلی و ظهور می‌یابد. بنابراین، هرچه میزان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، شادی زنان افزایش یافته است. این یافته پژوهش تأییدکننده چارچوب نظریه پژوهش و نظریه پاتنام است که تأکید دارد سرمایه اجتماعی رابطه قوی با

شادی افراد و کیفیت زندگی آنها دارد [۸]. با توجه به برآورد ضرایب ملاحظه می‌شود که متغیرهای اجتماعی بیش از سایر متغیرها می‌توانند شادکامی زنان را تحت‌تأثیر قرار دهند. این در حالی است که میان وضعیت تأهل، سن و وضعیت اشتغال با شادی زنان رابطه معناداری وجود ندارد. درحقیقت، این یافته‌ها نشان می‌دهد شادی زنان فارغ از تأثیر متغیرهایی نظیر سن، تأهل و وضعیت اشتغال است و فرضیات مرتبط با آن رد شده است.

در اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با شادی، که شامل جمعیت مردان نیز بوده‌اند، وضعیت اشتغال افراد در شادی تأثیر مستقیم داشته و رابطه معناداری بین اشتغال و شادی وجود داشته است. چنانچه نتایج تحقیقات آگان و همکاران (۲۰۱۶)، خورسندی و عزیزی (۱۳۹۵) و خورسندی و علی‌بابائی (۱۳۹۵) حاکی از تأثیر بسیار زیاد بیکاری بر میزان شادکامی در سطح کلان جامعه است. در این پژوهش، با توجه به تمرکز بر جامعه زنان چنین نتیجه‌ای تأیید نشده است. به نظر می‌رسد با توجه به عدم مسئولیت زنان در تأمین معاش خانواده و وظیفه نان‌آوری، شادی و نشاط زنان چندان تحت تأثیر وضعیت اشتغال قرار ندارد. علاوه بر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد این مسئله ابعاد پیچیده و پنهانی دارد که در بسترهای اجتماعی و فرهنگی و جایگاه و موقعیت زنان در جامعه و وضعیت شغلی آنها قابل مطالعه و بررسی است. جالب توجه آنکه این موضوع زمانی بااهمیت‌تر می‌شود که نتایج تخمین نشان می‌دهد، مطابق با انتظار، اثر مثبت درآمد خانوار بر شادکامی زنان مثبت بوده است. هرچند این نتیجه با یافته‌های سایر مطالعات تجربی نظیر آرگایل و لو (۱۹۹۰)، آبوت و ساپسفورد (۲۰۰۶) و منتظری و همکاران (۱۳۹۷) تطابق دارد، در مقایسه با رد شدن اثر شغل بر شادکامی نشان می‌دهد هرچند کسب درآمد موجب شادکامی زنان است، وضعیت اشتغال زنان علاوه بر کسب درآمد، پیامدهایی برای زندگی زنان دارد که موجب شادکامی آنها نمی‌شود، که این یافته تحقیق نیازمند بررسی دقیق و جداگانه‌ای است که مجال آن در این پژوهش فراهم نیست.

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد تنها متغیر زمینه‌ای که با شادی زنان رابطه معناداری دارد، تحصیلات است. با این حال، منفی بودن ضریب حاصل نشان می‌دهد این رابطه منفی است و با افزایش تحصیلات، شادی زنان کاهش می‌یابد. بررسی نظریات موجود نشان می‌دهد تحصیلات می‌تواند دو اثر مختلف بر شادی داشته باشد. تحصیلات افراد را در رسیدن به اهدافشان یاری می‌کند و به آنها کمک می‌کند منزلت اجتماعی مناسب‌تر، موفقیت شغلی و درآمد بالاتری را به دست آورند. اما از سوی دیگر انتظارات فرد را بالا می‌برد. کلارک و اسئوالد^۱ (۱۹۹۴) نشان داده‌اند که افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به افراد کم‌سوادتر زمانی که بیکار می‌شوند بیشتر دچار بحران روحی، تنش و اضطراب می‌شوند، یا به عبارت دیگر آسیب‌پذیرترند. از طرف دیگر، این افراد به دلیل سطح توقعات بالاتر بیشتر آزار می‌بینند. به همین دلیل، تحصیلات می‌تواند از این بُعد تأثیرات نامطلوبی بر شادی داشته باشد. در ایران، طبق آمارهای اعلام‌شده از

طرف مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶، بیش از نیمی از فارغ‌التحصیلان آموزش عالی را زنان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در زنان ۳۱/۱ درصد و در مردان ۱۴/۱ درصد است. از این رو، بیکاری زنان تحصیل کرده بیش از دوبرابر مردان است. این نشان می‌دهد بیکاری غیرارادی در زنان تحصیل کرده بالا بوده و به همین دلیل می‌تواند عاملی جهت نارضایتی آنان و ارتباط منفی بین تحصیلات و شادی در این گروه شود.

منابع

- [۱] ابراهیم نجف‌آبادی، اعظم؛ سام آرام، عزت‌اله (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس شادی (مورد مطالعه زنان ۱۵-۲۴ ساله شهر اصفهان)»، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، س ۲، ش ۵، ص ۳۱-۹.
- [۲] احمدی، یعقوب (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر سبک زندگی بر شادی زنان (مورد مطالعه: زنان ۱۸-۳۰ سال سنندج)»، همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری، تهران، شهرداری تهران.
- [۳] امیر مظاهری، امیر مسعود؛ فخاریان، منا (۱۳۹۵). «نقش سرمایه اجتماعی در شادی جوانان (مورد مطالعه دانشجویان دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی تهران مرکز)»، *مطالعات جامعه‌شناسی*، س ۹، ش ۳۳، ص ۷-۲۴.
- [۴] پسندیده، عباس (۱۳۹۵). *الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا*، چ ۳، تهران: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث- سازمان چاپ و نشر.
- [۵] چوقادی، فریبا (۱۳۸۹). «مطالعه عوامل روانی اجتماعی مؤثر بر شادی زنان شهرضا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- [۶] خورسندی، مرتضی؛ عزیزی، زهرا (۱۳۹۵). «برآورد آستانه تأثیر بیکاری بر شادی»، *سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، س ۳، ش ۷، ص ۷۹-۵۹.
- [۷] خورسندی، مرتضی؛ علی‌بابائی، نسترن (۱۳۹۵). «بیکاری بدتر است یا تورم؟ مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی»، *فصل‌نامه پژوهش‌نامه اقتصادی*، س ۱۶، ش ۶۳، ص ۱-۲۴.
- [۸] شجاعی‌باغینی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۸۷). *مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۹] صیادی‌فر، سمیه؛ دوستی، علی (۱۳۸۴). «حفظ یا حذف شادی»، *روزنامه همشهری*، ۱۳۸۴/۱۲/۲۲.
- [۱۰] عسگری‌زاده، دنیا (۱۳۸۹). «ارتباط شادمانی و فناوری ارتباطات و اطلاعات بر رشد اقتصادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه.
- [۱۱] فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۳). *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: گام نو.
- [۱۲] قطره‌ای، فرشته (۱۳۸۵). «بررسی رابطه شادکامی (نشاط) و کیفیت عوامل آموزشی در دوره ابتدایی مدارس شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- [۱۳] محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). «بیکاری مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، *نامه پژوهش*، ش اول، ص ۹۰-۱۰۹.

- [۱۴] محمدیان، منصور؛ صاحبه، گل‌خندان و همکاران (۱۳۹۴). «تحلیل عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر شادی»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۲۵، ص ۱۶۵-۱۹۲.
- [۱۵] منتظری، علی و همکاران (۱۳۹۷). «شادکامی زنان و مردان ایرانی ۲۰ تا ۴۰ ساله و عوامل مرتبط با آن: یک مطالعه ملی»، پایش، س ۱۷، ش ۴، ص ۴۰۹-۴۲۰.
- [۱۶] متوسلی، محمود؛ زبیری، هدی (۱۳۹۲). «انسجام اجتماعی؛ منشأ توسعه اقتصادی»، توسعه روستایی، دوره ۵، ش ۲، ص ۴۹-۷۴.
- [۱۷] نصرتی‌نژاد، فرهاد؛ سخایی، ایوب، شریفی، حجت (۱۳۹۴). «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی جوانان و میزان شادکامی آنان»، مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۴۳-۱۶۷.
- [۱۸] هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۸۹). «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۳، ص ۳۱-۷۲.
- [۱۹] هزارجریبی، جعفر؛ مرادی، سجاد (۱۳۹۶). «درک شهروندان از معانی و تعاریف شادکامی (پژوهشی کیفی در استان ایلام)»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، س ۸، ش ۳۳، ص ۷۷-۱۳۴.
- [20] Abbott P., Sapsford R. (2006). "Life-satisfaction in post-Soviet Russia and Ukraine". *Journal of Happiness Studies*, 1;7(2): PP 251-287.
- [21] Agan Y., Sevinc E., Orhan M. (2009). "Impact of main macroeconomic indicators on happiness." *European Journal of Economic and Political Studies*, 2(2): PP 13-21.
- [22] Argyle M., Lu L. (1990). "The happiness of extrovert" *Personality and Individual Differences*, 11: PP 1011-1017.
- [23] Argyle M. (2001). "Personality, self – esteem and demographic predictions of happiness and depression". In H. Cheng & A. Farnham (Eds.), *The Psychology of happiness*.
- [24] Clark A. E., Oswald A. J. (1994). "Unhappiness and unemployment". *The Economic Journal*. 104(424): PP 648-659.
- [25] Easterlin R. A. (1974). "Does economic growth improve the human lot? Some empirical evidence". In *Nations and households in economic growth* (pp. 89-125). Academic Press.
- [26] Easterlin R. A. (2003). "Happiness of women and men in later life: Nature, determinants, and prospects". In *Advances in quality-of-life theory and research* (pp. 13-25). Springer, Dordrecht.
- [27] Nordenmark M. (2018). "The importance of job and family satisfaction for happiness among women and men in different gender regimes". *Societies*, 8(1): P 1.
- [28] Oishi S., Kesebir S., Diener E. (2011). "Income inequality and happiness". *Psychological Science*. 22(9):1095-100.
- [29] Seligman M. E., Royzman E. (2003). "Happiness: The three traditional theories. Authentic happiness newsletter". Veenhoven, R. The utility of happiness. *Social Indicators Research*, 20, PP 254-333.
- [30] Yang J., Liu K., Zhang Y. (2018). "Happiness inequality in China". *Journal of Happiness Studies*, PP 1-25.